

هلوژی در چاپ

■ بهرام عفرای

Helogy in Print

Bahram Afravi

دوست و همکار عزیز آقای مهدی صادقی قبلاً بحثی را ابداع کرده‌اند به نام هلوژی. زمانی که موضوع مطرح شد با توجه به ذهنیت من که متمایل به سمت چاپ است به یاد مشکلات چاپی افتادم که می‌تواند در کلمه «ه» نمود یابد و همین مسئله سرچشمه سوق دادن موضوع گرافیکی هلوژی به سمت چاپ شد. کلمه «ه» در فارسی به اشکال مختلفی همچون «ه اول»، «ه وسط»، «ه» آخر تنها و «ه» چسبان آخر ظاهر می‌گردد. هر سه آنها دارای محدوده‌های سفید محصور شده در سیاهی هستند که می‌تواند بنای مشکلاتی را در چاپ بگذارد، در اینجا حرف «ه» به عنوان سمبلی برای بروز معرفی می‌شود، اما از این دست حروف بسیار است.

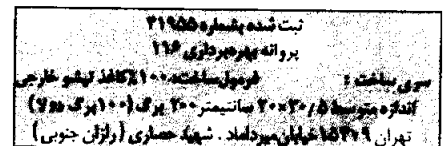
شروع هلوژی در چاپ

لوپ یا ذره بین چاپ برای همه شناخته شده است، آن را در دست بگیرید و با دقت به کلمه «ه» در یک کار چاپی نگاه کنید. بسته به بزرگنمایی لوپ و اینکه کدام «ه» را نگاه می‌کنید، اشکال مختلفی خواهید دید. یک مورد دیگر که در چگونگی مشاهده مهم است اندازه چاپی فونت و البته نوع فونت انتخابی شماست. برخی از فونت‌های موجود در خزانه فونت ایران که همان فونت‌های فارسی و نسخه‌های کپی شده‌ای از یکدیگر است سفیدی کوچکتری در درون «ه» نسبت

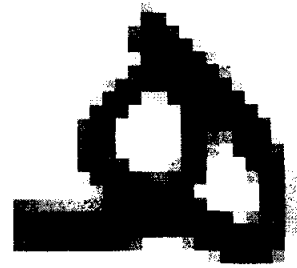
به برخی دیگر دارند. این مسئله می‌تواند شناسایی «ه» یا هلوژی را در چاپ با مشکل مواجه کند بطوریکه «ه» چاپ شده خوانایی خود را از دست بدهد. البته همه این بررسی‌ها از دید حرفه‌ای قابل تشخیص است و همگی شاهد هستیم که کارفرمایان غیر حرفه‌ای در بسته بندی محصولاتشان چقدر «ه» مشکل دار دارند که خود از آن غافلند.

شناسایی و در واقع نمود زیبایی «ه» وقتی بیشتر بروز می‌کند که سرچشمه‌اش یا طراح است یا لیتوگرافی.

طراح آماتور یا در فتوشاپ «ه» را پایه ریزی می‌کند یا در کورل یا چیزی شبیه به آن یعنی نرم افزارهای برداری، و از بخت بد در آخر کار آن را تبدیل به فرمت محبوب لیتوگرافی‌ها می‌کند که همان tiff است و البته طراح با این کار آخر لقمه را دور سر خود می‌چرخاند به اندازه ۹۰ درجه و همان کاری را که در فتوشاپ انجام داده بود به شکل دیگر می‌سازد. این «ه» بخت برگشته که سفیدی چشمانش به اندازه کافی بینایش را دچار مشکل کرده است، اکنون با رنجه رنجه شدن در چاپ دیگر به اولین حرف کور دنیا بدل می‌شود، آن وقت است که «ه» به شکل یک قلمبه ظاهر می‌شود و خواننده تنها به واسطه حروف پس و پیش آن می‌تواند «ه» را در کلمه حدس یزند و ناگفته پیداست که چقدر از سرعت خواندنش می‌کاهد.



نمونه یک بسته بندی که حرف (ه) در آن بصورت مشکل‌دار چاپ شده است.



کرده‌اید. این مجله روی این مطلب تاکید فراوان دارد.

پند سوم: مگر رنگ مشکی چه اشکالی دارد که حتماً می‌خواهید «ه» زیبای شما بخصوص اگر نوزاد است بیهوده رنگش کنید. ره‌ایش کنید و بگذارید برای خودش زندگی کند. وقتی بزرگتر شد خودش می‌داند چه بکند و البته هر چه بزرگتر شود رنگی بودنش کمتر تخریب ایجاد می‌کند.

پند چهارم: اگر طراح گرافیک هستید و «ه» خود را دوست دارید، موزب شیطنت‌های لیتوگرافی باشید که مبادا اگر پند اول را گوش داده‌اید و به حرفهای من عمل کرده‌اید، آنها کار خودشان را بکنند و با Tif کردن فایل‌تان کیف کنند.

پند پنجم: اگر از «ه» در زمان نوزادی استفاده می‌کنید (فونت‌های کوچک) مواظب رنگ، کاغذ و چاپ باشید.

پند ششم: با یک عدد لوپ در چاپخانه حضور داشته باشید و «ه»‌های خود را کنترل کنید.

پند هفتم: اگر نمی‌خواهید جمعیت «ه» را با خود دشمن کنید و به خواننده اثرتان احترام می‌گذارید، کالک را کنار بگذارید.

پند هشتم: فصلنامه گرافیک و چاپ را مشترک شوید! ■

چاپ در هلوژی بگویم که چه‌ها می‌کند. کاغذهایی مثل کاغذ روزنامه «ه» را می‌خورد و یک آب هم رویش نوش جان می‌نماید. ترام‌های درشت و چشمان کوچک «ه» و جذب بالای مرکب همه با هم به جان «ه» می‌افتند و ریشه‌اش را خشک می‌کنند.

فشارهای سیلندره‌های چاپ هم مزید بر علت هستند آنها هم نمی‌گذارند که «ه» از جا برخیزد، آنها مرتب توی سرش می‌زنند و له‌اش می‌کنند و اگر فشارشان بیش از اندازه باشد حتی می‌توانند چشمانش را کور کنند که در بسیاری موارد با وساطت چاپچی کار به آنجاها نخواهد کشید. اما مرکب و هوا و رطوبت چاپخانه هم در این بین اعمال نفوذ می‌کنند.

هلوژی بحث جدی است و باید به آن بهتر پرداخت اما در آخر پندنامه‌ای را برای هلوژی می‌آوریم تا به گوش همه برسد.

پند اول: طراحی را در نرم افزارهای برداری انجام دهید مگر اینکه خصوصتی با «ه» بی‌نوا داشته باشید و به قصد بخواهید او را معدوم کنید.

پند دوم: اگر می‌خواهید بعد از کار در نرم افزار برداری طرح خود را به Tif تبدیل کنید پند اول را نادیده گرفته‌اید و کار خودتان را

ضربه‌های بسیار دیگری می‌تواند در طراحی بر فرق سر «ه» وارد شود که خواننده را دچار مشکل نماید. مثلاً زمانی که طراح هوس می‌کند به چهره «ه» که به نظر رنگ و رو رفته می‌آید، رنگ و لعابی بزند و از پالت رنگ به مثابه کرم پودر و لوازم آرایش استفاده کند و چاپچی از همه جا بی‌خبر را آنچنان دچار مشکل می‌کند که همه کاسه کوزه‌ها سر او شکسته می‌شود، غافل از اینکه او هیچ گناهی نداشته و البته طراح هم نمی‌دانسته که باید از رنگ‌هایی که بی‌دریغ در اختیارش است به اندازه استفاده کند.

تا اینجای کار هزاران طراح را با خود دشمن کرده‌ایم. حالا سراغ لیتوگرافی‌ها برویم و مشکلات دست ساز آنها را بررسی کنیم.

گاهی فایل‌های برداری را تبدیل به همان Tif معروف می‌کنند گاهی به سفارش مشتری خروجی را روی کالک می‌گیرند (البته این کار را بسیاری از اوقات خود مشتری انجام می‌دهد) و اینها خواندن خاندان «ه» را دچار مشکل می‌سازد.

لیتوگرافی می‌تواند با چاقی ترام چشمان زیبای «ه» را ببندد و او را به خواب ببرد اگر نوردهی به زینک را کنترل نکند.

اما از چاپ و کاغذ مرکب و فشارهای زمان